

حسین سلیمی: اگر ما می‌خواهیم با چینی‌ها کار کنیم، این بسیار خوب است، اما باید منطق مشارکت چینی‌ها در سیاست جهانی را فهم کنیم و در درون همان منطق، به چینی‌ها کمک کنیم که چند صباح دیگر هژمونی جدید باشند که ما هم در ازای این همراهی، سهم بالاتری از آنچه اکنون داریم، از سیاست جهانی داشته باشیم.

انتقاد می‌کند. در آنجا هم بحث رژیم شاه با ایالات متحده آمریکا این بود که آمریکایی‌ها به ایران می‌گفتند که مزیت نسبی تو در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی، همین صادرات نفت است، اما ایران می‌گفت که نه، من توان ژئوپلیتیک، جمعیت و نیروی انسانی با استعداد دارم و بر این اساس، جایگاه بالاتری را در نظام بین‌الملل طلب می‌کنم؛ از همین رو، ایران از دهه ۱۹۶۰ به بعد، شکل بندی کنش تعاملی خود را با قدرت‌های بزرگ تغییر داد. گرایش به شرق بخشی از واقعیت ژئوپلیتیکی و راهبردی ایران را منعکس می‌سازد. ایران حتی در سال‌های دهه ۱۹۶۰ برای رهایی از فشارهای آمریکا، سیاست نگاه به شرق را پیش می‌گیرد و وارد فضای همکاری‌های سازنده با اتحاد شوروی می‌شود به گونه‌ای که سطح روابط و همکاری‌های دو کشور حتی در حوزه نظامی و امنیتی افزایش چشمگیری پیدا می‌کند.

یعنی شما می‌گویید که «نگاه به شرق» اساساً همواره یک سیاست اقتضائی و تابع معادلات قدرت در ایران بوده است؟

ابراهیم متقی: نه، اتفاقاً من می‌خواهم بگویم که نگاه به شرق، یک گرایش طبیعی و البته هوشمندانه در ایران بوده است. انگاره ذهنی ایران حتی در دوره رضاشاه قرار گرفتن در جایگاه «نیروی سوم» بود. در دوره مصدق هم همین انگاره بر دستگاه سیاست خارجی ایران حاکم بود. در فضای فعلی هم در وضعیتی که ایران با محدودیت‌های اقتصادی غرب مواجه است، به شکل طبیعی، به فکر تقویت کنش ارتباطی اش با چین و روسیه است. حالاً ممکن است کسی سؤال کند که آیا در چهارچوب این سیاست (نگاه به شرق)، ما باید به چین گرایش داشته باشیم یا به روسیه؟ به نظر پاسخ این پرسش، تابعی از منافع و امکانات ژئوپلیتیکی ماست و هیچ پاسخ پیشینی در کار نیست. اما نکته‌ای که می‌خواهم روی آن تأکید کنم این است که اولاً گرایش ایران به چین و روسیه یک امر تاریخی است؛ ثانیاً یک ضرورت ژئوپلیتیکی است؛ ثالثاً یک نیاز عمل‌گرایانه است؛ چون بحث هزینه/فایده (cost/benefit) در میان است و ایران هم مثل هر دولت دیگری باید این منطق هزینه/فایده را در معادله روابطش با بازیگران مختلف برقرار کند.

دکتر متقی از فهرستی از موانع و محدودیت‌های تاریخی، جغرافیایی و البته سیاسی سخن می‌گوید که سیاست «نگاه به شرق» را به عنوان یک سیاست طبیعی، هم به ایران تحمیل می‌کند و هم این سیاست را برای ایران ضروری می‌سازد. اما شما از ابتدای گفت‌وگو، بر فقدان «شناخت صحیح» از تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل در نزد سیاست‌گذاران جمهوری